

«سروری» خطا بوده و مقصود همان «سرونی» باشد. البته به حَسَب ظاهر، توصیفش به «هروی» اشتباه است.

ابن شهر آشوب از بزرگان علمای ما در قرن ششم هجری بوده است عظمت او تا بدانجا رسید که وی را به همان لقبی که شیخ طوسی (ره) را بدان نامیدند، یعنی «شیخ الطائفة» ملقب ساختند. بر همگان پوشیده نیست که این لقب چه معنای وسیع و پرارجی را دربر می گیرد که پرداختن به آن در این مختصر نمی گنجد. همچنین او نزد خاصه و عامه به علم و فضل شهرت یافت؛ به گونه ای که بعضی از علمای عامه او را به صفاتی چنین یاد کرده اند: «او امام زمان خود و یگانه دهرش بود»، «او صاحب دانش های وسیع و هنرهای زیادی بود».^۴

۴. الذریعة، ج ۶، ص ۲۱۰.

۵. الذریعة، ج ۹، القسم الثالث، ص ۹۸۷.

۶. معجم المؤلفین (تراجم مصنفی الکتب العربیة)،

ج ۱۱، ص ۱۶.

۷. طبقات المفسرین، شمس الدین محمد بن علی بن احمد الداودی المالکی، شاگرد عبدالرحمن سیوطی.

آقا بزرگ تهرانی ذکر می کند که وی در مکانی به نام «جبل جوشن» در خارج شهر حلب مدفون است.^۴

همچنین او از کتاب نقد الرجال سید مصطفی تفرشی نقل می کند که ابن شهر آشوب شاعری بلیغ و نوآور بوده است.^۵

در برخی از نوشته ها، اختلاف نظرهایی در مورد نام وی به چشم می خورد؛ بدین صورت که دکتر عمر رضا کحّاله، او را طبرسی توصیف کرده و سپس در پاورقی خود، از کتاب بغیة الوعاة سیوطی نقل می کند که ابن شهر آشوب را «سروری» نامیده است. همچنین یادآور می شود که در کتابخانه برلین وی را «هروی» نامیده اند.^۶

البته، در واقع، در اینجا اختلافی وجود ندارد؛ چون توصیف ابن شهر آشوب به «طبرسی» به جهت انتساب وی به طبرستان بوده که اکنون معروف به مازندران است. همچنین توصیف وی به «سروری»، ظاهراً به سبب انتساب او به شهر ساری در مازندران است. احتمالاً توصیف او به



بعضی از استادان او

۱. جارالله زمخشری، صاحب تفسیر،
 ۲. ابو منصور احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی، صاحب کتاب الاحتجاج،
 ۳. ابو علی فضل بن الحسن طبرسی، صاحب تفسیر مجمع البیان،
 ۴. قطب الدین ابوالحسن سعید بن هبة الله راوندی.
- ششصد مورد رسیده است. همچنان که وی به آنچه در الفهرست حذف شده، اشاره کرده است.

چاپ‌های کتاب

سید محمدصادق آل بحر العلوم در مقدمه‌ای که بر همین کتاب نگاشته و مطبعه حیدریه نجف آن را در سال ۱۳۸۰ ق / ۱۹۶۱ م، به چاپ رسانده

است، می‌نویسد:

درباره کتاب

این کتاب اولین بار در سال ۱۳۵۳ ق، در تهران در ۱۴۱ صفحه به چاپ رسیده که شامل ۹۹۰ مورد ترجمه علما و تالیفات آنهاست. و عباس اقبال آن را تحقیق کرده و تعلیقه‌هایی بدان افزوده است.

او همچنین می‌افزاید:

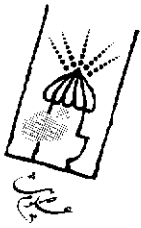
کتابی که خود آن را تحقیق کرده با نسخه‌ای صحیح‌تر از نسخه اقبال مقابله شده که حاوی ۳۱ مورد ترجمه بیشتر از نسخه اقبال است.

از آنچه آل بحر العلوم ذکر کرد به دست می‌آید که تنها دو چاپ از این کتاب وجود دارد، در حالی که تعداد آنها بیشتر

نام آن معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة و أسماء المصنفین منهم قدیماً و حدیثاً است، که مؤلف آن را در مقدمه خود چنین نام‌گذاری نموده است.

موضوع این کتاب چنان که از از عنوانش (دانشنامه علما) هویدا است، فهرستی از کتاب‌های شیعه و نام مؤلفان آنها در گذشته و حال است.

ابن شهر آشوب (ره) یادآور می‌شود که این کتاب، تتمه کتاب الفهرست شیخ طوسی است و او اضافات و فوایدی بر آن افزوده، به نحوی که آن اضافات به حدود



و بیان اینکه تمه ای است بر فهرست شیخ طوسی می گوید:

غزالی چنین گفته است: «اولین کتابی که در اسلام نگارش یافته، کتاب ابن جریر است در آثار، و حروف التفاسیر از مجاهد، و عطاء در مکه، سپس کتاب معمر بن راشد صنعانی در یمن، سپس کتاب المؤطأ مالک بن انس در مدینه، سپس کتاب جامع سفیان ثوری؛ اما واقعبیت این است که اولین تصنیف، گردآوری قرآن کریم توسط امیرالمؤمنین (ع) است، سپس سلمان فارسی (رض)، سپس ابوذر غفاری - رحمة الله علیه - سپس اصبخ بن نباته و سپس عبیدالله بن ابی رافع، سپس صحیفه کامله امام زین العابدین (ع) است.

ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان بغدادی معروف به شیخ مفید - رضی

است؛ همان گونه که آیت الله مرعشی (ره) در مطلبی که در آغاز آوردیم، گفته است که این کتاب اولین بار در لکنهوی هند و بار دوم در نجف اشرف و بار سوم در تهران به چاپ رسیده است. در نتیجه، چاپی که سید آل بحر العلوم از آن به اولین چاپ نام برده، در حقیقت، چاپ سوم بوده و چاپی که خود او تحقیق کرده، چاپ چهارم است. همچنان که چاپ پنجمی وجود دارد که در حاشیه کتاب مرآة الکتب ثقة الاسلام تبریزی از آن یاد شده و آورده است: «معالم العلماء، ص ۱۰، طبع فی بغداد سنة ۱۳۸۴».^۸

یعنی پس از چهار سال از چاپ مطبوعه حیدریه نجف.

همچنین آقابزرگ تهرانی (ره) در الذریعة از کتابی به نام رجال ابن شهر آشوب نام می برد و معتقد است که غیر از کتاب معالم العلماء است.^۹

تأملی در مقدمه

لازم است در مقدمه ابن شهر آشوب (ره) کمی تأمل کرد. او پس از ذکر نام کتابش

۸. مرآة الکتب، ص ۳۵۶، چاپ کتابخانه آیت الله مرعشی، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق.

۹. الذریعة، ج ۱۰، ص ۸۶.



الله عنه و قدس روحه - گفته است :
 «شعبان از زمان امیرالمؤمنین علی(ع)
 تا زمان ابی محمد امام حسن
 عسکری(ع)، چهارصد کتاب تألیف
 کردند که به آن اصول اربعمائه
 می گفتند»، و این است معنای گفته
 آنها: «اصل». سپس من بعد از آن
 درباره شعرای معروف اهل بیت(ع) به
 اندازه توان و قدرتم جست جو کردم،
 که «و ما توفیقی الا بالله علیه توکلتُ
 و هو رب العرش العظيم».

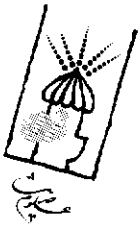
سپس ابن شهر آشوب باب الف را
 آغاز می کند.

اگر به ابواب این کتاب مراجعه کنیم،
 خواهیم یافت که وی(ره) بعد از پایان
 یافتن بیان ترجمه شدگان در ابواب و
 فصول مختلف، در پایان فصلی به نام
 «فصل فیما جهل مصنفه» (فصلی درباره
 آنچه مؤلفانش شناخته نشد) دارد. سپس
 چنین می آورد: «باب فی بعض شعراء
 اهل البیت(ع)» الخ، (بابی درباره بعضی
 شعرای اهل بیت(ع)).
 در این باره دو نکته را باید ملاحظه کرد:

نکته اول. در عبارت ابن شهر آشوب
 از «قال الغزالی ...» تا «و هذا معنی قولهم
 اصل»، آنچه به نظر می رسد این است که
 این مقدار به مقدمه افزوده شده است؛
 چون که سیر طبیعی کلام و هماهنگی آن
 با ترتیب ابواب کتاب اقتضا می کند که
 عبارت: «و إن کانت الکتب لا تعدّ و لا
 تحدّ» - که قبل از آن گفته غزالی آمده - به
 عبارت «ثم إنی عقببت بعد ذلک ...»
 بچسبد و دنبال هم بیاید؛ چون که در پایان
 باب «فیما جهل مصنفه» می گوید: «تمّ
 الفهرست، والکتب غیر منحصرة»، سپس
 بلافاصله به بیان نام شعرای اهل بیت(ع)
 می پردازد.

این نکته تقویت کننده این ادعاست که
 این عبارت طولانی در کلام او وارد شده
 است. در این مورد چند وجه محتمل
 است:

۱. خود مؤلف پس از مراجعه مجدد
 به کتاب، آن را افزوده است.
۲. از تعلیقات و حاشیه های نسخه بردار
 یا عالمان دیگر باشد که در طول زمان در
 متن مقدمه افزوده شده است؛ چه گفته



سخن غزالی را هم نقض کرده باشد.

همچنین واضح است که او در مقام استقصای اصول اربعمائه ای که از قول شیخ مفید نقل کرد، نبوده است. با توجه به این نکات، سؤالی در ذهن مطرح می شود که آیا این عبارت از متن اصلی کتاب است یا نه؟

اگر چنین باشد، پس بخش دوم سخن او که کلام شیخ مفید را درباره اصول اربعمائه نقل کرده - و علما معتقدند تنها وی از شیخ مفید نقل کرده است - درخور تأمل است؛ به خصوص که این بیان را در کتاب های شیخ مفید (ره) نیافته ایم.

و شاید بتوان این اشکال را به اشکالاتی که در مسئله اصول اربعمائه ذکر شده، اضافه نمود، و بر پژوهشگران است که هنگام طرح این موضوع به آن نیز توجه نمایند تا مقوله اصول اربعمائه روشن تر گردد.

خصوصیات کتاب

تعدادی از مشخصات این کتاب را به صورت اجمال می توان بیان نمود، از آن جمله:

می شود که نمونه های زیادی در این مورد می توان یافت.

برای دفع این احتمال لازم است به نسخ خطی مراجعه نموده و انواع خطوط و دیگر قراین را ملاحظه نمود.

۳. عبارت مورد نظر جزء خود مقدمه بوده و مؤلف از ابتدا آن را نگاشته است و آنچه در اشکال قبلی مطرح شد را می توان چنین دفع کرد که ممکن است ابن شهر آشوب نتوانسته است نظر خود را با عبارت های منسجم و مرتبط بیان کند.

و این احتمال را می توان چنین رد کرد که جلالت شان و منزلت مؤلف و تسلط او بر زبان عربی و مهارت وی به ادبیات آن، حتی در سرودن شعر، با این احتمال جمع نمی شود.

نکته دوم. این که در لابه لای کتاب هیچ اشاره ای به سخن غزالی و جواب ابن شهر آشوب و نیز سخن شیخ مفید نشده است. مؤلف حتی در یک مورد هم اشاره نمی کند که یکی از اهدافش در کتاب بیان اولین شخصی است که در اسلام تألیف کرده است که در نتیجه



١٥٧/١٥ . أحمد بن محمد بن نوح أبو العباس

السيرافي

١٣٢/١٦ . أيوب بن الحسين

١٣٣/١٧ . اسحاق بن عمّار

١٨٤/١٨ . الحسن بن علي بن فضال التيملي

٢١٧/١٩ . الحسن بن سعيد بن حماد الأهوازي

٢٧٤/٢٠ . حميد بن منثى العجلي الكوفي

أبو المعز الصيرفي

٢٧٦/٢١ . حميد بن زياد

٢٧٨/٢٢ . حماد بن عثمان

٢٨٤/٢٣ . حفص بن عبد الله السجستاني

٣٢٢/٢٤ . داود بن فرقد

٣٢٧/٢٥ . ذريح المحاربي

٣٣٤/٢٦ . رفاعة بن موسى النخّاس

٣٣٧/٢٧ . زيد الشحام أبو أسامة

٣٥٨/٢٨ . أبو القاسم سعد بن عبد الله بن

أبي خلف القمي

٣٧١/٢٩ . سليمان بن جعفر الجعفري

٣٧٧/٣٠ . سيف بن عمير

٤٢٣/٣١ . علي بن الحكم الكوفي

٤٢٧/٣٢ . علي بن مهزيار الأهوازي

٤٣٥/٣٣ . علي بن يقطين

٤٨٧/٣٤ . عبد الله بن سنان

الف . ٤٣ نفر را توثيق کرده که نام و

شماره آنها بدین صورت است :

٥/١ . ابراهيم بن صالح الانماطي الكوفي

٢٨/٢ . ابراهيم بن عبد الحميد

٣٢/٢ . اسماعيل بن مهران بن محمد بن

أبي نصر السكوني

٣٣/٤ . اسماعيل بن شعيب العريشي

٥٢/٥ . اسماعيل بن عمّار

٥٤/٦ . أبو جعفر أحمد بن أبي السراج الكوفي

٥٨/٧ . أحمد بن صبيح ، أبو عبد الله

الأسدي الكوفي

٥٩/٨ . أحمد بن الحسن بن الحسين اللؤلؤي

٦١/٩ . أحمد بن الحسين بن عبد الملك

أبو جعفر الأزدي الكوفي

٧٢/١٠ . أحمد بن إدريس أبو علي الأشعري

القمي

٧٦/١١ . أحمد بن محمد بن عاصم بن

عبد الله العاصمي المحدث الكوفي

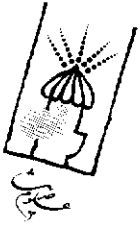
٧٧/١٢ . أحمد بن محمد بن سعيد

٧٨/١٣ . أحمد بن داود بن علي بن الحسين

القمي

٨٠/١٤ . أحمد بن علي الفايدي أبو عمر

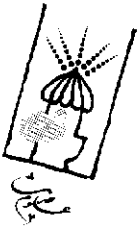
القرظيني



- ۴۰/۷ . اسماعیل بن ابان
۴۲/۸ . اسماعیل بن جابر
۴۳/۹ . اسماعیل بن مهران
۴۴/۱۰ . اسماعیل بن دینار
۴۵/۱۱ . اسماعیل بن بکیر
۴۸/۱۲ . اسماعیل بن محمد
۵۰/۱۳ . اسماعیل بن عثمان بن ابان
۵۲/۱۴ . اسماعیل بن عمّار
۷۱/۱۵ . أحمد بن الحسين بن سعد بن
عثمان القرشي ، ابو عبدالله ، (يعدُّ من
الاصول)
- ۱۳۳/۱۶ . اسحاق بن عمّار
۱۳۴/۱۷ . اسحاق بن جرير
۱۴۲/۱۸ . اسباط بن سالم بياح الزطي
۱۴۳/۱۹ . بكر بن محمد الازدي
۱۴۷/۲۰ . بشير بن مسلمة
۱۴۸/۲۱ . بشار بن يسار
۱۷۴/۲۲ . جميل بن رباح - او درّاج -
۱۷۵/۱۳ . جميل بن صالح
۱۷۸/۲۴ . جابر بن يزيد الجعفي
۱۹۲/۲۵ . الحسن بن موسى
۱۹۳/۲۶ . الحسن العطار
۱۹۵/۲۷ . الحسن بن صالح بن حي
- ۴۹۳/۳۵ . عبدالله بن جعفر الحميري
القمي ابو العباس
۴۹۴/۳۶ . عبدالله بن مسكان
۵۱۷/۳۷ . عبدالله بن بکیر
۵۷۳/۳۸ . العلاء بن رزين القلا
۵۸۴/۳۹ . عمر بن يزيد
۵۸۵/۴۰ . عمر بن أذينة
۶۵۱/۴۱ . محمد بن علي الحلبي
۶۷۷/۴۲ . أبو علي محمد بن همّام بن
سهيل الاسكافي
۸۴۱/۴۳ . معن بن خالد
- ب . تعداد ۶۷ نفر را - که اصل دارند -
ذکر نموده است . نام و شماره آنها بدین
ترتیب است :
- ۷/۱ . ابراهيم بن مهزم الاسدي
۱۲/۲ . ابراهيم بن عثمان أبو ايوب الخزاز
الكوفي
۱۷/۳ . ابراهيم بن أبي البلاد
۲۰/۴ . ابراهيم بن يحيى
۲۲/۵ . ابراهيم بن عمير اليماني وهو الصنعائي
۳۲/۶ . اسماعيل بن مهران بن محمد بن
ابي نصر السكوني



- ابن بابويه ولا ابن الوليد، بل طعنا عليهما
١٩٨/٢٨ . الحسن الرباطي
٢٣٠/٢٩ . الحسين بن أبي العلاء (يُعدّ
من الاصول)
٣٥٥/٤٩ . زرعة بن محمد الحضرمي
٢٦٢/٣٠ . الحسين بن أبي غند الكوفي
٣٥٦/٥٠ . زكار بن يحيى الواسطي
٢٧٤/٣١ . حميد بن مثنى العجلي الكوفي،
أبو المعز الصيرافي
٣٦٢/٥١ . سعد بن أبي خلف الزام
٣٦٤/٥٢ . سعيد بن يسار
٣٦٥/٥٣ . سعيد الأعرج
٣٦٦/٥٤ . سعيد بن غزوان
٣٦٧/٥٥ . سعيد بن مسلمة
٣٨٠/٥٦ . سعدان بن مسلم العامري بن
عبدالرحمن
٢٨٨/٣٦ . حبيب الخثعمي
٣٨٩/٥٧ . سفيان بن صالح
٢٩٠/٣٧ . الحارث بن الاحول
٣٩٧/٥٨ . شعيب بن يعقوب العقرقوفي
٣٠٥/٣٨ . خالد بن نصيح - او صبيح -
٣٩٩/٥٩ . شعيب بن أعين الحواد
٣٠٦/٣٩ . خالد بن اسماعيل
٤٠١/٦٠ . شهاب بن عبد ربه
٣١٨/٤٠ . داود بن زربي
٤٠٦/٦١ . صالح بن رزين
٣١٩/٤٠ . داود بن كثير الرقي
٤٢٢/٦٢ . علي بن رثاب الكوفي (له
أصل كبير)
٣٢٩/٤٣ . ربيع الأصم
٤٣٠/٦٣ . على بن أسباط الكوفي
٣٣٢/٤٤ . ربعي بن عبدالله الجارود
٤٥٨/٦٤ . علي بن أبي حمزه البطايني
٣٣٤/٤٥ . رفاعة بن موسى النخاس
٨٥٧/٦٥ . وهب بن عبد ربه
٨٦٣/٦٦ . هشام بن سالم
٩١٦/٦٧ . أبو محمد الخزاز
٣٣٨/٤٦ . زيد النرسي لهما أصلان لم يروهما
ابن بابويه ولا ابن الوليد، بل طعنا عليهما
٣٣٩/٤٧ . زيد الزرّاد لهما أصلان لم يروهما



۵. (۲۵۷) الزکاة علی نسق الفقه
(کتابی به نام زکاة دارد که به روش فقه
نگاشته است). ۱۱

۱۰. این عبارت مبهم است ولی می توان با توجه
به متن کتاب: «احمد بن محمد بن علی
السواق ابوالحسن، مولی آل سعد ابن
ابی وقاص، و اخوه ابوالقاسم علی، ما
وافقه تصانیفهما، کتاب الصیام، الدلائل،
سقطات العجلیة، ما روی فی ابی الخطاب
محمد بن ابی زینب» ش ۷۳. از تعبیر «ما
وافقه تصانیفهما» این معنا را برداشت کرد که
تالیفات این دو نفر موافق هم و مشترک بوده
است و عبارت رجال نجاشی در شماره ۲۲۹ و
الفهرست در شماره ۷۲ که آمده:
«... و صنف کتاباً، فمنها کتاب الصیام و ...،
کتاب ما روی فی ابی الخطاب محمد بن
ابی زینب، و هو شركة بینة و بین اخیه علی
بن محمد» را قرینه آن قرار داد.
گرچه می توان گفت جمله «وهو شركة بینة
و ...» به اشتراك در آخرین کتاب بر می گردد.
البته با در نظر گرفتن دیگر متون رجالی چون
فهرست طوسی، رجال نجاشی و معجم
رجال الحدیث آیه الله خویی، احتمالات
دیگری هم متصور است. (مترجم)
۱۱. محتمل است مقصود از «علی نسق الفقه»،
یعنی به شکل فقه روایی است؛ بدین صورت
که روایات باب را بدون ذکر مدارك و اسناد
ذکر کرده و صرفاً به بیان مسئله اکتفا نموده
است.

ج. طبقه ۵۳ نفر را ذکر کرده که
شماره آنها بدین ترتیب است:

۳، ۲۲، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۵۲، ۵۳،
۵۶، ۶۶، ۱۳۳، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۳،
۱۵۴، ۱۵۶، ۱۸۲، ۱۸۴، ۲۵۷، ۲۶۴،
۲۷۹، ۲۸۴، ۳۱۵، ۳۱۶، ۳۲۱، ۳۴۹،
۳۶۲، ۳۷۷، ۴۰۲، ۴۳۵، ۴۹۶، ۵۰۰،
۵۲۲، ۵۲۴، ۵۳۸، ۵۴۴، ۵۸۴، ۵۸۵،
۶۰۱، ۶۲۷، ۶۴۲، ۶۵۰، ۶۵۸، ۶۸۲،
۷۰۲، ۷۹۹، ۸۵۰، ۸۵۹، ۸۶۲، ۸۷۱،
۸۸۶، ۸۸۹، ۹۰۱، ۱۰۱۷.

د. بعضی عبارت های مبهم یا جدید:

۱. (۶۰) مجفوالروایة (به روایتش
اعتنا نشده است).

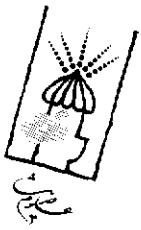
۲. (۷۳) ما وافقه تصانیفهما^{۱۱}

۳. (۱۰۷) حکى عنه القول بالرؤية،
له كتب فی الفقه علی ترتیب الاصول.
(از وی نقل شده که قائل به رؤیت خداوند
بوده - کتاب هایی در فقه بر ترتیب اصول
دارد).

۴. (۱۱۴) من غلمان العیاشی (از
دست پروردگان عیاشی است).



۱. (۲۷) ابراهیم بن اسحاق النهاوندی، متهم است.
۲. (۲۸) ابراهیم بن عبدالحمید، واقفی مذهب است.
۳. (۳۷) اسماعیل بن علی بن علی بن زرین، امرش مشتبه و مخلوط است.
۴. (۵۲) اسماعیل بن عمار، فطحی مذهب بود.
۵. (۶۰) به روایتش اعتنا نشده است.
۶. (۸۲) احمد بن علی ابوالعباس، متهم به غلو است.
۷. (۹۷) احمد بن هلال العبرنائی، از غالیان بود.
۸. (۱۳۳) اسحاق بن عمار، فطحی مذهب بود.
۹. (۱۳۳) اسحاق بن عمار، فطحی مذهب بود.
۱۰. (۵۲۳) له کتاب معول علیه. (دارای کتابی قابل اعتماد است).
۱۱. (۶۱۸) و لیس فی العرب عیص غیر هذا. (در میان عرب شخصی به نام «عیص» جز او یافت نمی شود).
- هـ. گاهی احوال و مذهب راوی را ذکر می کند، مانند:
۶. (۱۵۳) الصلاة علی نسق الاصول - متقدم^{۱۲} (کتابی به نام الصلاة دارد که بر روش اصول می باشد).
۷. (۳۲۰) له کتاب الرحمة مثل کتاب سعد بن عبدالله (دارای کتابی به نام الرحمة است مانند کتاب سعد بن عبدالله).
۸. (۴۲۷) له ثلاثة و ثلاثون کتاباً، ثلاثون منها مثل کتب الحسين بن سعید و زیادة. (دارای سی و سه کتاب است، سی کتاب آن همانند کتاب های حسین بن سعید است و اضافه بر آن).
۹. (۴۷۱) له کتب معتمدة نحو من ثلاثين کتاباً علی ترتیب کتب الفقه. (نزدیک به سی کتاب قابل اعتماد دارد که بر ترتیب کتب فقهی است).
۱۰. (۵۲۳) له کتاب معول علیه. (دارای کتابی قابل اعتماد است).
۱۱. (۶۱۸) و لیس فی العرب عیص غیر هذا. (در میان عرب شخصی به نام «عیص» جز او یافت نمی شود).
- هـ. گاهی احوال و مذهب راوی را ذکر می کند، مانند:
۱۲. مفهوم این کلمه برای ما روشن نیست.



کتابی درباره قراءت امیر المؤمنین (ع) و حروف و تألیف او دارد.

۸. (۵۷۲) «عمرو بن بحر الجاحظ» عثمانی است، إلا این که کتاب الامامة و وجوبها را دارد.

۹. (۶۱۲) «عباد بن یعقوب الرواجنی» عامی مذهب است، کتابی در اخبار حضرت مهدی (عج) دارد که آن را «مسند» نامیده.

۱۰. (۷۸۷) «القاضي ابو عبدالله محمد بن سلامة القضاعي» عامی مذهب است، کتابی به نام دستور الحكم في ماثور معالم الكلم دارد که مجموعه ای از سخنان امیر المؤمنین (ع) می باشد.

۱۱. (۷۹۰) «ابو عبدالله محمد بن احمد النطنزی» عامی مذهب است، دو کتاب به نام الخصائص العلوية علی سائر البرية و المآثر العلوية لسيد الذرية دارد.

۱۲. (۹۸۸) «القاضي ابوالمحسن الرويانی» عامی مذهب است، کتابی به نام الجعفریات دارد.

عبدالله الاصفهانی «عامی مذهب است، إلا این که کتابی به نام منقبة المطهرين و مرتبة الطيبين و ما نزل في القرآن في امير المؤمنين (ع)، دارد.

۲. (۱۲۴) «ابوصالح احمد بن عبدالملك المؤذن» عامی مذهب است، إلا این که کتاب الاربعين في فضائل الزهراء (ع) دارد.

۳. (۴۱۹) «طلحة بن زيد» عامی مذهب است و کتاب قابل اعتمادی دارد.

۴. (۴۸۲) «ابوالحسن علی بن مهدی المامطیری» زیدی مذهب است، إلا این که کتاب نزهة الابصار و محاسن الآثار دارد.

۵. (۴۸۵) «علی بن عيسى النحوی» عامی مذهب است، و مسئله ای در مسح بر پا دارد.

۶. (۴۸۶) «علی بن محمد المدائنی» عامی مذهب است، کتاب هایش نیکوست. از جمله: السيرة في مقتل الحسين (ع).

۷. (۵۵۰) «عبدالواحد بن عمر، ابوطاهر المقری» عامی مذهب است، إلا این که